

خدا چگونه انسان را هدایت می‌کند؟ - ۶

**پناهیان: خدا ما را به خودش هدایت می‌کند و این خیلی هیجان‌انگیز است/ جذابیت خداوند در این است دیدنی و شنیدنی نیست بلکه کشف‌کردنی است، باید او را کشف کنید/ موضوع هدایت، «خدا، راه و راهنما» است**

حجت الاسلام پناهیان به مناسبت ماه مبارک رمضان ۳۰ شب در مصلی بزرگ امام خمینی با موضوع «**خدا چگونه انسان را هدایت می‌کند؟**» سخنرانی می‌کند. در ادامه گزیده‌ای از مباحث مطرح شده در **جلسه ششم** را می‌خوانید:

**مهمترین مانع دریافت هدایت، دوست‌داشتنی‌های دیگر انسان است**

• هدایت مراتبی دارد که باید آن مراتب را از خداوند متعال تمنا کنیم. تا وقتی چشم دل انسان باز نشود، نمی‌تواند مراتب عالی هدایت را دریافت کند. مهمترین مانع برای درک و دریافت هدایت، دوست‌داشتنی‌های دیگر انسان است. هر دوست‌داشتنی‌ای که برای ما مهم باشد، ما را کور و کر می‌کند پیامبر(ص) می‌فرماید: «حُبُّكَ لِلشَّيْءِ يُعْمِي وَ بُصْمٌ» (من لایحضره الفقیه/ ۴/ ۳۸۰) دوست داشتن هر چیزی می‌تواند آدم را کور و کر کند و باعث شود که انسان، دیگر پیغام‌های الهی را نشنود و نتواند هدایت‌های الهی را دریافت کند.

**خدا ما را به چه چیزی هدایت می‌کند؟/ اولین موضوع هدایت خود خداوند است**

• در این جلسه می‌خواهیم به این مسأله بپردازیم که خداوند متعال ما را به چه چیزی هدایت می‌کند؟ دو موضوع خیلی مهم وجود دارد که موضوع هدایت پروردگار است.

• اولین موضوع هدایت، خود خداوند است. یعنی خدا ما را به خودش هدایت می‌کند تا او را بشناسیم، بباییم، حس کنیم و بخواهیم. ما را هدایت می‌کند تا به او علم پیدا کنیم و به او اعتقاد و علاقه پیدا کنیم. خدا ما را هدایت می‌کند به اینکه او را ببینیم، و بشناسیم و به اسماء الهی معرفت پیدا کنیم که فرمود: «لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى» (طه/۷)

• خدا ابتدا ما را به سمت خودش هدایت می‌کند یعنی می‌خواهد خودش را به ما بشناساند و این فوق‌العاده هیجان‌انگیز است. خداوند خیلی سرگرم‌کننده و جذاب است. جذابیت خداوند در این است دیدنی و شنیدنی نیست بلکه کشف‌کردنی است، باید او را کشف کنید. باید از غیر خدا، به سوی خود خدا منصرف شویم.

**فهم و درک نسبت به اسماء و اوصاف خدا را از خدا تمنا کنید**

• نباید فقط به این اکتفا کنیم که «ما اعتقاد داریم که خدا هست» و بعد هم سراغ کارهای خودمان برویم! اینکه به اصل وجود خدا پی ببریم، کافی نیست، بلکه بعد از اعتقاد به خدا باید پی ببریم به اینکه خدا چگونه است؟ حیف است که خدا را عمیقاً نشناسیم؟ حیف است که خداوند، انیس و مونس دل ما نباشد. خداوند متعال خیلی می‌تواند دل ببرد و اصلاً دل‌بری کار خود خداوند است. اگر در ادعیه و مناجات، زیاد عشق‌بازی با خدا نمی‌بینید، به‌خاطر ادب اولیاء خداست. چون رابطه ما با خداوند، رابطه عبد و مولاست و این رابطه، لوازم خاص خودش را دارد.

• فهم و درک نسبت به اسماء و اوصاف خدا را از خدا تمنا کن. مثلاً وقتی می‌گویی: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ» بگو: «خدا! ما تا کی از عظمت تو بگوییم، ولی از عظمت تو چیزی حس نکنم و نفهمم؟»

**دومین موضوع هدایت، «راه» رسیدن به خداست**

• دومین موضوعی که خداوند متعال می‌خواهد ما را به آن هدایت کند، «راه» است. یعنی بعد از اینکه خود خدا را دریافت کردیم، هنوز کار تمام نشده است و در مرحله دوم، خداوند باید راه را هم به ما نشان دهد. تو نمی‌توانی بگویی: «من خودم می‌دانم چطور باید به سمت خدا بروم» راه را هم خدا باید به تو نشان دهد.

• گاهی اوقات شما خود خدا را می‌خواهید ولی راه رسیدن به او را نمی‌دانید. باید از خدا تمنا کنید تا راهش را به شما نشان دهد. گاهی هم خداوند راه را به شما می‌گوید ولی خیلی پیچیده است و باز هم باید تقاضا و تمنا کنیم تا این پیچیدگی را بفهمیم.

• در هر کدام از مراحل فوق هم باید مدام از خدا تمنا کنیم که ما را کمک کند. اولیاء خدا هم این تمنا را داشتند. امام سجاده(ع) در دعای خود عرضه می‌دارد: «خدایا! مرا برای آن چیزی که از من می‌خواهی، به‌کار بگیر و عمر مرا در کاری که مرا به خاطرش آفریده‌ای صرف کن؛ وَ اسْتَعْلِمُنِي بِمَا تَسْأَلُنِي عَدَا عَنَّهُ، وَ اسْتَفْرغْ أَيَّامِي فِيمَا خَلَقْتَنِي لَهُ» (صحیفة سجاده/ دعای ۲۰)

**«راه» «چه کنم؟»ها را برای ما مشخص می‌کند/ شاید خدا بارها هدایت خصوصی ما را به ما الهام کرده ولی ما اعتنا نکرده‌ایم**

• «راه» در واقع «چه کنم؟»ها را برای ما مشخص می‌کند. اینکه «الان من باید چه کار انجام دهم؟» خیلی مهم است و این را باید خدا به ما نشان دهد. در این‌جا یک‌سری دستورات عمومی یا کلی وجود دارد که اگر کسی آنها را اجرا کند، کم کم هدایت‌های خصوصی سر راهش قرار می‌گیرد. ان‌شاء الله خداوند ما را اهل فهم هدایت‌های خصوصی قرار دهد. خیلی از اوقات اصلاً ما نمی‌خواهیم این دستورات را بفهمیم و از ترس سخت بودن، روی خودمان را از آن برمی‌گردانیم.. شاید خداوند بارها راهنمایی خصوصی ما را به ما الهام کرده است و ما اعتنا نکرده‌ایم.

• ما باید تمنا کنیم که خداوند راه را به ما نشان دهد، ولی باید مراقب باشیم که این کار یک‌مقدار خطرناک است. چون اگر راه را به ما نشان دادند و ما را راهنمایی کردند ولی ما گوش ندادیم، ممکن است دیگر ما را راهنمایی نکنند. این ظرافت امر هدایت را هم باید در نظر بگیرید. اگر تمنا کردید که «خدایا! راه خاص خودت را به من نشان بده، و به من بگو الان چکار کنم؟» و بعد هم خداوند، راه را به شما نشان داد، باید گوش دهید؛ اگر گوش نکنید و فرمان خدا را اطاعت نکنید، خیلی ناچور می‌شود. چون خداوند راه را به شما نشان داده و راه را برای شما باز کرده و شما نیامده‌اید. کم‌اینکه خداوند می‌فرماید: «بخوانید مرا تا شما را اجابت کنم؛ اَدْعُونِي اسْتَجِبْ لَكُمْ» (غافر/۶۰) بعد می‌فرماید: « کسانی که از عبادت من تکبر می‌روزند، آنها را با خواری و ذلت به جهنم می‌برم؛ اِنَّ الَّذِيْنَ يَسْتَكْبِرُوْنَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُوْنَ جَهَنَّمَ دَاخِرِيْنَ» (همان) یعنی کسی که دعا نکند متکبر است. چون خدا باب دعا را باز کرده است ولی بعضی‌ها تکبر می‌کنند و نمی‌آیند.

**بدون «راه» و «راهنما» نمی‌توان به خدا رسید/ خدا اول ما را به راهنما دعوت می‌کند!**

• گفتیم که خداوند ما را به دو چیز هدایت می‌کند یکی به خودش و دیگری، به راه رسیدن به خودش. البته موضوع راه را باید به دو بخش تقسیم کرد: ۱- راه ۲- راهنما. یعنی خداوند متعال، هم ما را به راهنما هدایت می‌کند و هم به راه. به این ترتیب ما باید به سه چیز هدایت شویم: «خدا»، «راه» و «راهنما». البته اصلش این است که فقط به خود خدا هدایت شویم و به خدا برسیم ولی این هدایت باید از طریق راه باشد و بدون راه و بدون راهنما نمی‌توان به خدا رسید.

- لذا می‌توان گفت که خداوند ما را به سه چیز هدایت می‌کند: ۱- به خودش هدایت می‌کند ۲- به راه رسیدن به خدا هدایت می‌کند ۳- به راهنمایی که این راه را به ما معرفی می‌کند، هدایت می‌کند. (که این راهنما هم از جانب خداوند آمده است) جالب این‌جاست که خداوند متعال از بین این سه عنصر، معمولاً اول از راهنما شروع می‌کند یعنی اول ما را به راهنما دعوت می‌کند. کما اینکه پیامبر اکرم(ص) وقتی می‌خواستند دعوت را شروع کنند، به مردم گفتند: آیا مرا قبول دارید؟ آیا من به شما راست می‌گویم؟ اگر بگوییم دشمنان شما پشت این کوه هستند، قبول می‌کنید؟ (قَالَ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَخْبَرْتُكُمْ أَنَّ الْعَدُوَّ مُصْبِحَكُمْ أَوْ مُمْسِكُمْ مَا كُنْتُمْ تُصَدِّقُونَنِي قَالُوا بَلَى قَالَ فَإِنِّي نَذِيرٌ لَكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ) (مناقب آل ابیطالب/۴۶/۱) لذا به تعبیری پیامبر(ص) از خدا شروع نکردند، بلکه از خودشان شروع کردند.

#### اهل بیت(ع) فقط راهنما نیستند بلکه به تعبیری «راه» هم هستند

- اهل بیت(ع) فقط راهنما نیستند بلکه به تعبیری خودشان «راه» هستند یعنی خودشان موضوعیت دارند و رسیدن به آنها نیز یک حرکت است. اگر دل ما برود به این سمت که دوست داشته باشیم پیامبر اکرم(ص) و امیرالمؤمنین(ع) را بشناسیم، همین که دل‌مان به سمت آنها هدایت شود، این یعنی هدایت ما آغاز شده است.
- در زیارت جامعه، به اهل بیت(ع) می‌گوییم: «شما راه مستحکم هستید؛ اَنْتُمْ الصِّرَاطُ الْاَقْوَمُ» (من لایحضره الفقیه/۶۱۳/۲) البته اهل بیت(ع) راهنما هم هستند کما اینکه در همین زیارت جامعه می‌گوییم: «شما به این راه، راهنمایی می‌کنید؛ اِدْلَاءَ عَلَی صِرَاطِهِ» (من لایحضره الفقیه/۶۱۱/۲) یعنی شما اهل بیت(ع) هم راهنمایی می‌کنند و هم اینکه خودتان راه هستید.

